

درآمدی بر شناخت جوان

<?xml encoding="UTF-8">

دوران جوانی، دورانی است که توان درک زندگی به صورت مجمل و شناخت فردی در حد سطحی در انسان پدیدار می شود و هر چه زمان می گذرد، این درک و شناخت عمیق تر می گردد.

زمان فعال دوره جوانی با دوره رشد عقلی و جسمی همراه است. طبق برخی روایات اسلامی، نهایت رشد عقلی تا 35 سالگی است!

امام علی (علیه السلام) می فرماید: «طول قامت فرزند در 23 سالگی و رشد عقلی او در 35 سالگی پایان می یابد و هر چه پس از این است بر اثر تجربه و آموزش است.»

شناخت ویژگی های دوران جوانی برای جوانان ضروری است؛ زیرا انسان تا خود را نشناسد و خصوصیات خود را درک نکند، قادر به ساختن و پرورش خود نیست.

از این رو در این جا برخی از ویژگی های جوانان را از نگاه پیشوایان (علیهم السلام) به اختصار بیان می کنیم

1. اثر پذیری

انسان موجودی اثرپذیر و آموزش پذیر است و به طور غریزی و طبیعی دیده ها و شنیده ها را می آموزد. این طبیعت انسانی در دوران جوانی از قابلیت و توانایی بیش تری برخوردار است. از آن جایی که فکر و دل جوان هنوز دچار دل مشغولی های روزگار و مسائل متنوع فردی و اجتماعی نگشته، از موقعیت بسیار مناسبی برای یادگیری بهره مند است و قلب و دل او مانند زمین آماده کشت، هر دانه ای را پذیرفته و می پروراند.

از این رو با توجه به فرمایشات متعدد مولا علی (علیه السلام) بدست می آید که در صورت عدم اقدام به موقع، روح جوان بر اثر گذر ایام و بالا رفتن سن، کم تر اثرپذیر خواهد بود.

وظیفه اولیای جوان، در قبال این ویژگی این است که مواظب باشند قلب جوان بر اثر سستی و کاستی ایشان، محل کشت شیطان صفتان واقع نگردد.

حقیقت این است که برخی از حکومت های ضد دینی و استعمارطلب همچنان که پیشرفت فنی و صنعتی را در خدمت انسان کشی، ایجاد رعب و غارت انسان های محروم قرار داده اند، پیشرفت علوم دیگر را نیز به همین منوال قبضه کرده اند و در جهات ناصواب به کار برده اند. این غارتگران دین و فرهنگ با بهره گیری از علوم روان شناسی و جامعه شناسی و... راه های نفوذ فکری و استعمار ملت ها را در میان جوامع دینی و حتی غیر دینی شناخته و با شیوه هایی ناجوانمردانه کشورها را به سوی خود فراموشی و خودباختگی سوق می دهند.

اثر پذیری عاملی اساسی در شخصیت انسان و به خصوص جوان است و مادر شخصیت انسان است. با آنکه این ویژگی با وجود نقش کلیدی خود، در اغلب موارد در اختیار «خود» بوده ولی از آن جایی که قبل از شناخت خود، محیط های اطراف به صورت گسترده در انسان تأثیر می گذراند و عوامل زیستی (وراثت، غدد جنسی و سن) در کنار آن از نقش مهمی برخوردارند، لازم است این ویژگی مورد توجه اولیاء و مربیان قرار گیرد تا عمده شخصیت جوان را در دوران قبل از جوانی شکل دهند.

از این رو، هر چند بعد از دوران جوانی هم می توان در شخصیت جوان تغییرات مهمی ایجاد کرد ولی کاری نسبتاً مشکل است.

2. رشد عقلی

در روایات اسلامی نسبت به تقسیم عقل، به اعتبار نوع رشد آن، اشارات و تصریحاتی وجود دارد و با توجه به فرمایش امام علی (علیه السلام) انسان دارای دو نوع رشد عقلی - فیزیکی و اکتسابی و آموزشی - است، جوانان باید سعی تمام نمایند تا در هر زمینه، بر رشد عقلی خود بیفزایند.

مطلب مهم دیگر ضرورت کسب معرفت در دوره نوجوانی و جوانی از دیدگاه اسلامی است. امام مجتبی (علیه السلام) فرموده است: «علم چون نوری فرا راه جوان می تابد و رهگشا می شود». به نظر نمی رسد که برای جوانان کاری بهتر از فراگیری علوم و صنایع و هنرها وجود داشته باشد.»

از آن جایی که آموزش یک امر تدریجی است و نیاز به حوصله و گذر ایام دارد، آموختن تجربه بیشتر، نیاز به زمان بیشتر دارد. بنابراین بسیار روشن است که نوجوان چون به دلیل کمی سنّ و سال هنوز قادر نیست از دانش و تجربه دیگران بهره مند گردد و از این رو به طور طبیعی دارای جهالت نسبی و نقصان تجربه علمی خواهد بود، به خوبی پیداست که او دارای جهانی ویژه است که هیچ ملامت و سرزنشی را بر نمی تابد.

3. پاک دلی و رقت قلب

این فضیلت به صورت طبیعی در نهاد جوانان موجود و مایه تمایل ایشان به خیر و نیکی است و هر چه انسان از دوره جوانی فاصله می گیرد، قلب او نیز غلیظ و غیر قابل انعطاف می گردد که این خود دلیل دیگری برای تربیت به هنگام جوانان است.

بنابراین رقت و مهربانی، مایه عفو و گذشت، تعالی و ترغیب، گرایش به حق و حقیقت و در نتیجه مایه سازندگی اجتماعی خواهد بود.

با این بیان، محیط سالم خانه، مدرسه و جامعه هر یک با ضریبی خاص در ایجاد و تقویت این روحیه و روحیات مشابه، مؤثر بوده، از عوامل اساسی شمرده می شوند. جوان قبل از این که عطوفت قلبی خود را از دست بدهد، باید از آن بهره گیرد و بیاموزد که چگونه آن را حفظ کرده و برای درک حقایق به کار گیرد. او باید بیاموزد چگونه با پاکی دل به استقبال واقعیات زندگی آینده برود و بالاخره باید دریابد که چگونه خالصی درون را در مصاف با ناخالصی بیرون از دست ندهد.

در هر حال، رقت قلب، اساس زندگی آرمانی، بنیان سعادت نفسانی و باغبان صفا و صمیمیت و دوستی و برادری در جامعه بشری است.

4. دین گرایی

یکی از روحیات پر ارزش بشری که نتیجه روحیه حق طلبی و فضیلت خواهی است، «دین گرایی» می باشد. این روحیه به اعتراف بسیاری از روان شناسان در آغاز دوران جوانی به شدت فعال گردیده، رشد می یابد.

گویا همه روان شناسان در این نکته متفق القولند که مابین بحران تکلیف و جهش ناگهانی احساسات مذهبی ارتباطی وجود دارد.

توجه به این نکته لازم است که روحیه دین گرایی در بین جوانان، مانند دیگر نیروهای جوانی بر اثر گذر ایام ضعیف می شود. از این روی چنانچه اولیای جوان نتوانند چنین فرصت مناسبی را غنیمت شمارند، در فرصت های بعدی به سختی می توان وظیفه تعلیم آداب و احکام دینی را انجام داد.

5. میل به آزادی

از نظر جوان، عقل و منطق و مصلحت و نظم و قانون نوعی محدودیت است، باید با آن ها مبارزه کرد تا به خواسته های مطلوب خود رسید.

جوانان با نظر به این که به سبب طغیان غرایز، جنبه عقلانی ضعیفی پیدا می کنند و به شدت احساساتی می شوند و طبعشان آن ها را به سوی لذت گرایی سوق می دهد، اگر از آزادی مطلق برخوردار شوند، به انواع فسادها و فحشاها و انحراف ها دچار می شوند؛ زیرا غرایز آدمی کور و بی شعور است.

6. میل به زیبایی و خودآرایی

این روحیه از نظر روایات اسلامی برای جوانان ثابت بوده و رعایت آن از سوی اولیاء، پسندیده و لازم است. انسان دارای روحیه زیبا گرایی و حس زیباطلبی است و اسلام نیز به این روحیه توجه داشته و در ابعاد مختلف زندگی به رعایت زیبایی سفارش نموده است. اسلام ضمن رعایت روحیه زیبا خواهی افراد و خصوصا جوانان، راه کارهایی را برای حفظ جمال جوانی توصیه کرده است. جوانان باید جمال و زیبایی را برای خود جمال و زیبایی بخواهند، نه برای جلب توجه دیگران؛ زیرا هنگامی می توان زیبایی را در همه جا رعایت کرد که فی نفسه برای آن ارزش قائل شد، اما اگر صرفا برای برانگیختن دیگران باشد، ممکن است جوانان عزیز را در مسیر ناپسند ریا کاری و خود پرستی قرار دهد.

از نظر اسلام همان گونه که جوانان به دنبال زیبایی ظاهرند، در کسب زیبایی باطنی می باید نیز پیش قدم باشند. بنا بر روایات اسلامی جوانان نسبت به خیر و فضیلت پیشتازند: «فَإِنَّهُمْ أَسْرَعُ إِلَى كُلِّ خَيْرٍ». زیبایی باطن، همان خلقیات و فطریات پاک انسانی است؛ چنان که دانش و آگاهی و مروت و مردانگی از مصادیق زیبایی باطن شمرده شده است.

7. غریزه جنسی

دوره جوانی، زمان بیداری غریزه جنسی است. تا جوانان به چنین سنّی پا نگذاشته اند، چیزی به عنوان غریزه جنسی و تمایل به جنس مخالف را در خود احساس نمی کنند، اما همین که وارد دوران جوانی شدند، این غریزه سر از خواب بر می دارد و بیدار می شود و جوانان را متمایل به جنس مخالف می کند. در دیدگاه اسلام، این غریزه را می باید - با فراهم آوردن شرایط لازم - به سوی ازدواج و تشکیل کانون خانواده هدایت و از انحرافات اخلاقی جلوگیری کرد.

1. محمد علی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت (علیهم السلام)، تلخیص 34-36.
2. مکارم اخلاق، ص 223، به نقل از جوان در پرتو اهل بیت (علیهم السلام)، ص 35.
3. همت، سهراب پور، جوانان در طوفان غرایز، ص 15.
4. همان، ص 42.
5. محمد علی خادمی کوشا، جوان در پرتو اهل بیت (علیهم السلام)، تلخیص از ص 44 - 45.
6. همان، ص 46.
7. همان، تلخیص از ص 52 - 52.
8. حسین لطف آبادی، روانشناسی رشد(2): نوجوانی، جوانی و بزرگسالی، ص 56.
9. محمد علی خادمی کوشا، همان، ص 51.
10. همان، تلخیص از ص 53 - 57.
11. همان، تلخیص از ص 62 - 65.
12. همت سهراب پور، جوانان در طوفان غرایز، ص 24.
13. همان، ص 33.
14. غرر الحکم، ص 41 و 258، به نقل از جوان در پرتو اهل بیت (علیهم السلام).
15. همت سهراب پور، همان، ص 35.